

به نام خدا

چزوه درسی حقوق سازمان های پین المللی

شرایط عضویت در سازمان ملل متحد:

از لحاظ تاریخی اعضای ملل متحد به دو دسته تقسیم می شوند: اعضای اصلی یا موسس و اعضای جدید

اعضای اصلی و اولیه سازمان ملل متحد به عنوان موسسین این سازمان ۵۱ کشور بودند که در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت داشته و قبل از آن اعلامیه ملل متحد را امضا یا تصویب نموده و به دولت های محور (آلمان، ژاپن و ایتالیا) اعلان جنگ کرده بودند؛ از جمله اعضای موسس سازمان ملل متحد می توان ایران، ترکیه، عراق، مصر و سوریه را نام برد. در مورد اعضای سازمان ملل، ماده ۳ منشور بیان می دارد «اعضای اصلی ملل متحد کشورهای هستند که در کنفرانس ملل متحد راجع به سازمان بین المللی در سانفرانسیسکو شرکت نموده و اعلامیه ملل متحد مورخ ۱۹۴۲ و این منشور را امضا و بر طبق ماده ۱۱۰ تصویب نمایند.» طبق ماده ۴ منشور، برای عضویت اعضای جدید احراز ۴ شرط ضروری است:

❖ دولت بودن؛

❖ صلح جو بودن (به این معنی که دولت متقاضی نباید انگیزه تجاوزکارانه داشته باشد و روابط خارجی او باید مبتنی بر انگیزه صلح جویانه باشد)؛

❖ قبول تعهدات مندرج در منشور؛

❖ داشتن شایستگی و توانایی اجرای تعهدات مندرج در منشور به تشخیص سازمان ملل.

پذیرش در سازمان ملل متحد با **توصیه** شورای امنیت به مجمع عمومی و تصویب توسط این مجمع صورت می گیرد. در اینجا توصیه، یک رای و نظر مشورتی ساده که فاقد ارزش حقوقی باشد نیست بلکه دقیقاً به معنای تصمیم به کار رفته است. مجمع عمومی با اکثریت دو سوم آرای موافق درخواست عضویت را می پذیرد. آیین

پذیرش در سازمان ملل پیچیده تر از جامعه ملل است. در جامعه ملل پذیرش اعضای جدید منوط به تصمیم مجمع عمومی بود؛ در حالی که در سازمان ملل، شورای امنیت از حق وتو برخوردار است. برای بررسی عضویت اعضای جدید در شورای امنیت شیوه رای گیری به صورت **اکثریت کیفی** است؛ اکثریت کیفی به معنای ۹ پانزدهم تعداد اعضای شورا به طوری که هیچ یک از اعضای دائم رای منفی نداشته باشند است.

منشور ملل متحد وضعیت دولت‌های غیر عضو را در نظر گرفته و مقررات خاصی را در این زمینه وضع کرده که اهم آنها عبارتند از:

۱. **رعایت مفاد منشور توسط کشورهای غیر عضو:** به موجب بند ۶ ماده ۲ منشور، سازمان مراقبت

خواهد کرد که کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی ضروری است بر طبق این اصول عمل نمایند

۲. **رسیدگی قضایی به اختلافات کشورهای غیر عضو در ارتباط با سازمان ملل:** به موجب ماده ۳۲

منشور هر دولتی که عضو ملل متحد نیست، هرگاه طرف اختلافی باشد که در شورای امنیت در حال رسیدگی است دعوت خواهد شد که بدون داشتن حق رای در مذاکرات مربوط به آن اختلاف شرکت نماید. شورای امنیت شرایطی را که برای شرکت یک دولت غیرعادلانه می داند معین خواهد نمود. به این ترتیب هیچ دولتی بدون دفاع از خود مورد قضاوت سازمان ملل متحد قرار نخواهد گرفت و آیین نامه داخلی شورای امنیت نیز اجازه می دهد که شورا نمایندگان یک دولت غیر خود را برای ادای توضیحات حتی در مواردی که آن کشور شاکی و مراجعه کننده به شورا نیست احضار نماید. همچنین بند ۲ ماده ۳۵ منشور بیان می دارد هر دولتی که عضو ملل متحد نیست می تواند توجه به شورای امنیت یا مجمع عمومی را با اختلافی که خود در آن طرف دعوا است جلب نماید؛ مشروط به اینکه در مورد اختلافات مزبور قبلاً تعهدات مربوط به حل و فصل مسالمت آمیز را که در منشور ذکر شده است قبول نماید.

علاوه بر این طبق ماده ۵۰ منشور هرگاه شورای امنیت اقدامات احتیاطی یا قهری علیه دولتی معمول دارد، هر دولت دیگری که خود را مواجه با مشکلات اقتصادی خاص ناشی از اجرای آن اقدام بیابد، اعم از اینکه عضو ملل متحد باشد حق خواهد داشت در مورد حل مشکلات با شورای امنیت مشورت کند.

شرایط خروج، اخراج، تعلیق عضویت و حق رای

منشور ملل متحد مقررات خاصی را در زمینه تجویز یا ممانعت دولت‌ها برای خروج از سازمان پیش‌بینی نکرده است. ولی قواعد خاصی برای اخراج دولت‌ها در نظر گرفته است. از تاریخ تأسیس سازمان ملل تاکنون عملاً یک بار خروج از سازمان اتفاق افتاده است و آن خروج اندونزی در سال ۱۹۶۴ است. در این تاریخ اندونزی اعلام کرد که رسماً پس از پرداخت وجوه معوقه به سازمان از اول مارس ۱۹۶۵ از عضویت سازمان خارج می‌شود؛ دلیل خروج اندونزی عضویت کشور مالزی کشور است که با اندونزی اختلافات سیاسی و ارزی متعددی داشت در شورای امنیت بود. حدود یک سال بعد اندونزی مجدداً همکاری خود را با سازمان ملل اعلام کرد.

اخراج

به موجب ماده ۶ منشور، هر یک از اعضای ملل متحد که در تخلف از اصول مندرج در این کشور اصرار ورزد، ممکن است بنا بر توصیه شورای امنیت و تصویب مجمع عمومی از عضویت سازمان ملل اخراج شود؛ اخراج دولت‌ها از سازمان‌های بین‌الدولی جهانی تنها یکبار رخ داده است و آن مربوط به اخراج اتحاد جماهیر شوروی سابق در ۱۹۳۹ از جامعه ملل می‌باشد و علت اخراج نیز حمله شوروی به فنلاند است. پس از تأسیس سازمان ملل هیچ دولتی از آن سازمان اخراج نشده است.

تعليق عضویت

به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد، هرگاه شورای امنیت اقدام تنبیهی یا قهری علیه یکی از کشورهای عضو به عمل آورد، ممکن است توصیه به شورای امنیت، مجمع عمومی آن کشور را از حقوق و مزایایی که هر عضو سازمان از آن برخوردار است، محروم ساخته و حقوق کشور را به حالت تعلیق در آورد؛ لازم به یادآوری است که این حقوق و مزایا می‌تواند مجدداً به وسیله شورای امنیت برقرار شود؛ ماده ۵۱ فوق مزایای قابل تعلیق را مشخص نمی‌کند ولی به نظر می‌آید که تعلیق شامل حق رای دادن، حق انتخاب شدن و حق شرکت در مذاکرات مختلف سازمان باشد؛ مثلاً در اجلاس ۱۹۷۴ به پیشنهاد گروه آسیایی آفریقایی نماینده آفریقای جنوبی از حق شرکت در جلسات مجمع عمومی محروم شد.

تعليق حق رای

طبق ماده ۱۹ منشور ملل متحد، هر عضو ملل متحد که پرداخت سهمیه مالی او در مخارج سازمان به تأخیر افتاده است، در صورتی که مبلغ بدهی عقب افتاده معادل یا بیشتر از مبلغ سهمیه دو سال تمام باشد، در مجمع

عمومی حق رأی نخواهد داشت، ولی اگر مجمع عمومی تشخیص دهد که قصور در پرداخت ناشی از شرایطی است که از حیطة اختیار عضو مزبور خارج است می‌تواند به چنین عضوی اجازه دهد که در رأی شرکت نماید.

ارکان اصلی سازمان ملل متحد عبارتند از شورای امنیت، مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی، دیوان بین‌المللی دادگستری، دبیرخانه و شورای قیمومت^۱

(۱) شورای امنیت

بر اساس ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت یکی از اعضای اصلی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود و مسئولیت اساسی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد. لازم به ذکر است که اعطای چنین مسئولیتی به شورای امنیت در طرح‌های پیشنهادی کنفرانس دمبارتن اوکس پیش بینی شده بود. شورای امنیت مثل شورای جامعه ملل، انجمن محدودی از دولت‌ها است؛ ولی اعضای آن به دو دسته تقسیم می‌شوند: **اعضای دائم و اعضای غیر دائم**. بر خلاف جامعه ملل. عضویت دائم که بتواند به طور نامحدودی مجدداً انتخاب شود در شورای امنیت وجود ندارد. طبق ماده ۲۳ منشور، شورای امنیت مرکب از ۱۵ عضو سازمان ملل متحد است: **جمهوری خلق چین، فرانسه، روسیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا** اعضای دائم شورای امنیت می‌باشد. **اعضای دائم علاوه بر امتیاز حضور دائم در شورا از امتیاز ویژه حق وتو نیز برخوردار هستند.** دلیل این‌گونه امتیازات به ۵ عضو شورای امنیت را به قول پروفیسور جساپ باید در حقیقت انکار ناپذیر اختلاف قدرت میان این کشورها با سایر اعضا جستجو کرد؛ به عبارت دیگر از آنجا که بار مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در درجه اول بر عهده این کشورها قرار می‌گیرد، تصمیم نهایی در خصوص چگونگی اجرای مسئولیت نیز باید به آنها تعلق داشته باشد.

هرچند انتخاب قدرت‌های بزرگ به عنوان پنج عضو دائم شورای امنیت در سال ۱۹۴۵ به عنوان یک حقیقت انکارناپذیر تلقی شود؛ ولی نمی‌توان در آغاز قرن بیست و یکم ادعا داشت که پنج عضو مزبور همواره به صورت

^۱. از استقلال سرزمین پالاتو در ۱۹۹۴ که آخرین سرزمین تحت قیمومت سازمان ملل متحد محسوب می‌شود شورای قیمومت عملاً فعالیت خاصی را عهده دار نیست و طبق آخرین اصلاحیه آیین کار شورای مذکور در سال ۲۰۰۴ اعضای شورا دیگر موظف به تشکیل جلسات سالانه خود نیستند و صرفاً در صورت نیاز و بنا به درخواست رئیس شورا و یا اکثریت اعضای مجمع عمومی و شورای امنیت تشکیل جلسه خواهد داد.

پنج قدرت اول جهان باقی مانده و یا خواهند ماند. از آن جا که انتخاب پنج عضو دائم شورای امنیت یک انتخاب بر اساس روابط قدرت در سطح جهان بوده است، لذا در شرایط کنونی با توجه به تغییر روابط قدرت و پیدایش قدرت های جدید جهانی باید تدبیر دیگری در خصوص ترکیب این شورا اندیشید. بدین جهت برخی از کشورها به طور جدی خواهان افزایش اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد بودند؛ کشورهایی که به عنوان عضو دائمی جدید مطرح می باشند آلمان، ژاپن و برخی از کشورهای در حال توسعه مانند هند و یا برزیل هستند.

هر چند در ترکیب اعضای دائم شورای امنیت نظر نشده است، ولی درباره ترکیب اعضای غیر دائم اصلاحاتی به عمل آمده است. در ۱۹۴۵ اعضای دائم شورای امنیت ۵ کشور و اعضای غیر دائم که از سوی مجمع عمومی برای دو سال انتخاب می شدند به ۶ عضو محدود می شد. در سال ۱۹۶۵ بدون اینکه ترکیب اعضای دائم شورا تغییر کند، شمار اعضای غیر دائم شورای امنیت از ۶ عضو به ۱۰ از افزایش یافت؛ بدین ترتیب ترکیب شورای امنیت از ۱۱ به ۱۵ از تغییر کرد. طبق ماده ۲۳ منشور، مجمع عمومی در انتخاب اعضای غیر دائم در شورای امنیت باید معیارهای زیر را مورد توجه قرار دهد:

❖ کمک به حفظ صلح و امنیت بین المللی و سایر اهداف سازمان؛

❖ توزیع عادلانه کرسی های شورا از لحاظ جغرافیایی؛

انتخاب اعضای غیر دائم با اکثریت دوسوم آرای مجمع عمومی انجام می شود. تقسیم جغرافیایی اعضای غیر دائم شورای امنیت به شکل زیر می باشد:

✓ دولت های آسیایی آفریقایی ۵ عضو؛

✓ دولت های آمریکای لاتین ۲ عضو؛

✓ دولت های اروپای شرقی ۱ عضو؛

✓ دولت های اروپای غربی ۱ عضو؛

✓ اقیانوسیه و سایر دولت ها مثل کانادا و غیره ۱ عضو.

بر خلاف شورای جامعه ملل که در آنجا تصمیم گیری به اتفاق آرا صورت می گرفت، در شورای امنیت اکثریت آرا ملاک رای گیری قرار گرفت. کیفیت ترکیب اکثریت در تمام موارد یکسان در نظر گرفته نشده است؛ به عبارت

دیگر کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مربوط به آیین کار و در سایر مسائل به جز آیین کار متفاوت است. در مسائل مربوط به آیین کار تصمیمات با اکثریت ۹ رای مثبت اتخاذ می‌شود بدون در نظر گرفتن نوع عضویت رای دهنده یعنی دائم یا غیر دائم. این نوع اکثریت، اکثریت عددی است و علیرغم رای منفی عضو دائم در مورد مسائل مربوط به آیین کار تصمیم‌گیری در این زمینه می‌تواند با رای مثبت ۹ عضو غیر دائم شورا نیز انجام پذیرد. بر اساس رویه شورای امنیت، می‌توان موارد زیر را جزو آیین کار به شمار آورد: مسائل مربوط به تشکیل جلسات شورا، تعیین دستور کار، انتخاب روسای شورا، شرکت اعضای سازمان در شورا، دعوت یک دولت یا یک شخص برای مشارکت در کارهای شورا، دستور تشکیل مجمع عمومی، و دستور تشکیل یک کنفرانس همه‌جانبه برای تجدید نظر در منشور.

تصمیمات مربوط به سایر مسائل به جز آیین کار با اکثریت کیفی یعنی با ۹ پنجم تعداد اعضا به طوری که هیچ یک از اعضای دائم شورای امنیت رای منفی نداده باشند صورت می‌گیرد. در این گونه مسائل حتی اگر ۱۴ عضو شورای امنیت در مورد خاص رای مثبت دهند و یک عضو دائم رای منفی دهد تصمیمی در آن مورد اتخاذ نخواهد شد و در واقع به چنین عملی حق و تو می‌گویند. از جمله مسائل ماهوی که مستلزم کسب اکثریت کیفی هستند را می‌توان به قرار زیر دانست: حل مسالمت آمیز اختلافات، اقدامات احتیاطی و قهری، مقررات مربوط به تعلیق و اخراج یک عضو سازمان، روابط شورای امنیت با مجمع عمومی و انتخاب دبیر کل. البته اصل مندرج در ماده ۲۷ منشور در این خصوص دارای دو استثنا است: استثنای اول به موجب فصل ششم منشور، مربوط به قاعده عدم مشارکت در رای برای کشوری که یک طرف اختلاف است می‌شود؛ استثنای دوم مربوط به اقدامات شورای امنیت به منظور حل اختلافاتی که طبق ترتیبات منطقه‌ای صورت می‌گیرد می‌شود که موجب بند ۲ ماده ۵۲ منشور اعضای ملل متحد می‌توانند قبل از مراجعه به شورای امنیت، اختلافات محلی خود را از طریق موافقت نامه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای حل و فصل نمایند.

نکته مهم: امتناع یک عضو به مثابه وتو قلمداد نمی‌شود و قطعنامه صادر شده با رای ممتنع یک عضو دائمی، دارای همان آثار حقوقی الزام‌آوری است که سایر قطعنامه‌ها دارا می‌باشند. حق و تو به رای منفی هر یک از اعضای دائمی شورای امنیت به قطعنامه‌های این شورا اطلاق می‌شود. رای منفی فقط در مورد مسائل ماهوی وتو تلقی می‌شود و نه در مسائل آیین کار. بدیهی است رای منفی عضو دائم حتی زمانی که قطعنامه مربوط به یکی از مسائل اساسی بوده و در مجموع آرای مثبت لازم را کسب کند وتو محسوب نمی‌شود رای

منفی یکی از اعضای دائم شورای امنیت به بخشی از پیش‌نویس قطعنامه‌ای که بعداً در مجموع آن را وتو می‌کند وتوی مضاعف گفته می‌شود.

وظایف شورای امنیت و اختیارات آن

مواد ۲۴ تا ۲۶ منشور، وظایف شورای امنیت را بیان کرده است. طبق این مواد وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عهده شورای امنیت است و اعضای سازمان توافق کردند که شورای امنیت در اجرای وظایف که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد، از سوی آنها عمل کند. طبق ماده ۲۵، اعضای سازمان موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را طبق مفاد منشور قبول و اجرا نمایند. از این ماده چنین استنباط می‌شود که موافقت اعضا تنها شامل **تصمیمات** شورا است و توصیه‌نامه‌ها را در بر نمی‌گیرد. در اجرای وظیفه اصلی خود شورای امنیت از دو طریق عمل می‌کند:

۱. مداخله مسالمت‌آمیز در حل اختلافاتی که احتمال دارد صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد و یا فراهم نمودن وسایل حل اختلافات طبق فصل ششم منشور؛

۲. مداخله قهرآمیز یا اتخاذ روش‌های اجبارکننده طبق فصل هفتم منشور

شورای امنیت در صورت **احتمال** بروز تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه، روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات را به طرفین دعوا توصیه می‌کند و برای این منظور مقررات فصل ششم را به اجرا می‌گذارد. طبق ماده ۳۳ منشور، طرفین هر اختلاف که احتمال دارد ادامه آن صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد، باید پیش از هر چیز به طرق زیر راه حل اختلاف خود را جستجو نمایند: مذاکره، میانجی‌گری، سازش، تحقیق، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به موسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل موافق مسالمت‌آمیز.

مقامات صلاحیت‌دار برای ارجاع اختلافات بین‌المللی به شورای امنیت شامل کشورهای عضو سازمان، کشورهای غیر عضو سازمان، مجمع عمومی و دبیر کل هستند. مقررات شورای امنیت در رابطه با فصل ششم منشور مبتنی بر توصیه است و رعایت توصیه‌نامه برای اطراف اختلاف الزام‌آور نیست و بر اساس ماده ۲۵ منشور صرفاً تصمیمات شورا الزام‌آور است. تصمیمات الزام‌آور شورا بر مبنای مقررات فصل هفتم منشور در خصوص **هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اعمال تجاوز** اتخاذ می‌شود. توسل به اقدامات اجبارکننده را باید مهمترین ابزار برای برقراری صلح جهانی تلقی کرد. شورای امنیت در صورت احراز تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام

تجاوزکارانه، تصمیم به استفاده از روش های تنبیهی و یا قهری می گیرد و برای این منظور مقررات فصل هفتم منشور را به اجرا می گذارد. در اجرای فصل هفتم منشور شورای امنیت می تواند به دو نوع اقدام تنبیهی و یا قهری متوسل شود: اول بر اساس ماده ۴۱ به اقداماتی متوسل شود که متضمن توسل به زور نیست؛ در این قبیل اقدامات شورای امنیت می تواند از اعضای ملل متحد بخواهد تا با اقداماتی مثل قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات دریایی، هوایی، تلگرافی، پستی و یا سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی متوسل شوند. دوم بر اساس ماده ۴۲ به اقداماتی متوسل شود که متضمن اعمال زور است: چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست، می تواند به وسیله نیروی هوایی دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ صلح یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، مبادرت ورزد. این اقدام ممکن است مشتمل بر عملیات نمایشی، محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد.

ریاست شورای امنیت

ریاست شورای امنیت به ترتیب نوبت و بر حسب حروف الفبای انگلیسی نام کشورهای عضو شورای امنیت بوده و دوره ریاست هر یک از روسا یک ماه تقویمی خواهد بود. جلسات شورای امنیت علنی است مگر آنکه به نحو دیگری تصمیم گرفته شود؛ البته هر گونه توصیه به مجمع عمومی درباره تعیین دبیرکل باید در جلسات غیرعلنی مورد بحث قرار گیرد.

۲) مجمع عمومی

مجمع عمومی مهمترین رکن تبادل نظر مشورتی سازمان ملل متحد است که با شرکت کلیه اعضای سازمان تشکیل می شود و هریک از اعضا دارای حداکثر ۵ نماینده در مجمع و مجموعاً دارای یک رای خواهند بود. مجمع عمومی به عنوان مجلس جهانی محل ابراز عقاید متفاوت اعضای جامعه بین‌المللی است. نحوه رای گیری در مجمع عمومی به اهمیت موضوع مورد بحث و سعی دارد. در مورد مسائل مهم، تصمیمات مجمع با اکثریت دوسوم اعضای حاضر و رای دهنده اتخاذ خواهد شد و موارد زیر از مسائل مهم محسوب می شوند: توصیه های مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی، انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت، انتخاب اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومت، قبول اعضای جدید در سازمان ملل، تصمیمات راجع به اجرای نظام قیمومت، تعلیق حقوق و مزایای عضویت و اخراج و مسائل مربوط به بودجه .

به طور کلی صلاحیت های مجمع عمومی را می توان به دو نوع تقسیم صلاحیت های **انحصاری** و صلاحیت های **غیرانحصاری** تقسیم نمود. در موارد زیر مجمع عمومی دارای صلاحیت انحصاری است و سایر ارکان ملل متحد صلاحیت ندارند:

- ایجاد ارکان فرعی؛
- تدوین و توسعه تدریجی و بین المللی؛
- سرزمین های غیر خودمختار؛
- مسائل داخلی سازمان ملل متحد.

مجمع می تواند اقدام به ایجاد ارکان فرعی کند و از این قبیل می توان به ایجاد صندوق اختصاصی ملل متحد که هدف آن کمک مالی برای سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه است اشاره نمود. به موجب ماده ۱۳ منشور، مجمع عمومی زمینه های مناسب برای تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل را ایجاد خواهد کرد. مجمع با تصمیم به تاسیس کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۴۷ این وظیفه را به عهده کمیسیون مذکور واگذار کرد. اعضای این کمیسیون که مرکب از ۳۴ حقوقدان برجسته است که از سوی مجمع عمومی برای مدت ۵ سال انتخاب می شوند. این کمیسیون دارای جلسات سالانه است و اعضای آن به نمایندگی از دولت متبوع خود در آن کمیسیون شرکت نمی کنند؛ بلکه انتخاب آنها به لحاظ صلاحیت علمی می باشد. قسمت اعظم کارهای کمیسیون تهیه و فراهم نمودن پیش نویس هایی درباره موضوعات مختلف حقوق بین الملل است. از جمله مهمترین کنوانسیون هایی که توسط کمیسیون حقوق بین الملل تدوین شدند، کنوانسیون ۱۹۶۱ وین راجع به حقوق دیپلماتیک، کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات، کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به روابط کنسولی است. مجمع عمومی همچنین در زمینه انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت، انتخاب اعضای شورای اقتصادی اجتماعی و سایر نهادهای تخصصی و همچنین تهیه و تنظیم بودجه سازمان صلاحیت انحصاری دارد.

عمده ترین صلاحیت های غیر انحصاری مجمع عمومی عبارتند از: حفظ صلح و امنیت بین المللی، انتخاب قضات دیوان بین المللی دادگستری، انتخاب دبیرکل، پذیرش اعضای جدید، اخراج، تعلیق عضویت و اصلاح منشور.

(۳) دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری رکن اصلی قضایی در سازمان ملل متحد است و اساسنامه آن نیز جزء لاینفک منشور به شمار می‌آید. دیوان مزبور متشکل از یک هیأت قاضی مرکب از ۱۵ قاضی و یا حقوقدان مستقل است که بدون توجه به ملیت آنها از میان کسانی که عالی‌ترین مقام اخلاقی را دارا بوده و هر یک واجد شرایطی باشند که در کشور متبوع خود برای انجام مشاغل عالی قضایی لازم است و یا از جمله متبحرترین در علم حقوق و دارای شهرت بسزا در زمینه حقوق بین‌الملل باشند، تشکیل می‌شود. این قضات از طرف سازمان ملل متحد انتخاب می‌شوند و منصوب دولت متبوع خود نیستند. این قضات ماموران دولتی نیستند تا تابع مقررات و دستورات کشورهای خود باشند و از این رو برای تضمین استقلال آنها مصونیت‌هایی مثل مصونیت‌های ماموران سیاسی برای آنان قائل شده‌اند و غیرقابل عزل هستند و اصولاً نباید هیچ‌گونه فعالیت شغلی دیگری داشته باشند؛ قضات دیوان برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شوند و پس از سپری شدن دوره، مجدداً قابل انتخاب هستند. از آنجا که تجدید انتخاب کامل در پایان هر ماه سال امکان داشت به دوام و استمرار دیوان لطمه بزند از این رو هر سه سال یکبار به قید قرعه یک سوم قضات طبق ماده ۱۳ اساسنامه تغییر می‌کند. مجمع عمومی و شورای امنیت هر یک به طور مستقل اعضای دیوان را انتخاب می‌کنند و انتخاب شوندگان هم در شورا و هم در مجمع عمومی باید اکثریت مطلق آرا را کسب نمایند. در شورای امنیت برای انتخاب قضات دیوان تفاوتی بین اعضای دائم و غیر دائم وجود ندارد. قضات دیوان باید از قبول هر نوع ماموریت سیاسی یا اداری که جنبه حرفه‌ای داشته باشد خودداری کنند. اعضای دیوان در هیچ دعوی نمی‌توانند در سمت نماینده، مشاور یا وکیل یکی از طرفین باشد و همچنین نمی‌توانند عضویت در محکمه یا ملی یا بین‌المللی تحقیق داشته باشند و همچنین نمی‌توانند به هر عنوان دیگری مداخله داشته باشند. برای تشکیل دیوان حضور حداقل ۹ قاضی لازم است. در مورد شیوه انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری دو نکته حائز اهمیت است:

اول اینکه در رای شورای امنیت برای انتخاب قضات هیچ فرقی بین اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت وجود ندارد و هرگاه آرای مجمع عمومی و شورای امنیت به بیش از یک نفر از اتباع یک کشور داده شود فقط بر اساس سن مسن‌ترین آنها انتخاب می‌شود از این رو اعضای دائمی شورای امنیت نمی‌توانند در انتخاب قضات از حق وتو استفاده کنند و از سوی دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند بیش از یک عضو در هیأت قضات داشته باشد؛

نکته دوم اینکه در گزینش قضات، انتخاب کنندگان باید در نظر داشته باشند اشخاصی که برای عضویت دیوان معین می‌شوند، نه تنها دارای شرایط مقرر باشند بلکه مجموعاً بتوانند نماینده‌ی نظام‌های حقوقی بزرگ دنیا

به شمار آیند. با توجه به اینکه قضات دیوان باید نمایندگان تمدن های بزرگ بشری و نظام های مهم حقوقی باشند، لذا در انتخاب آنها دولت های عضو مستقیماً حق دخالت و معرفی کاندیدا ندارند.

قضات دیوان کارمند سازمان ملل متحد هستند و حقوق و مزایای آنها از بودجه عادی سازمان پرداخت می شود. قضات مزبور در اجرای وظایف خود از مزایا و مصونیت های دیپلماتیک برخوردار خواهند بود همچنین اعضای دیوان را نمی توان از شغل خود منفصل کرد، مگر آنکه سایر اعضا به اتفاق رای دهند که آن عضو دیگر واجد شرایط مقرر نیست.

استفاده از قاضی اختصاصی

در دو حالت امکان استفاده از قاضی اختصاصی وجود دارد:

۱. چنانکه یکی از قضات دیوان تابعیت یکی از دولت های طرف دعوا را داشته باشد، به طرف دیگر حق داده می شود که یکی از اتباع خود یا افراد خارجی که حائز شرایط لازم باشد را به عنوان قاضی به دیوان معرفی نماید. این قاضی، **قاضی اختصاصی** نام دارد.

۲. هرگاه در میان قضات دیوان، هیچ یک از طرفین دعوا قاضی در دادگاه نداشته باشند، هر یک از طرفین می توانند یک نفر قاضی به طریق فوق انتخاب و معرفی نمایند. لازم به یادآوری است قاضی اختصاصی برای دعوای خاص و به طور موقت انتخاب می شود و پس از خاتمه دعوا مأموریت وی نیز پایان می پذیرد.

صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری

صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری را می توان به دو نوع صلاحیت **ترافعی** و صلاحیت **مشورتی** تقسیم کرد

➤ صلاحیت ترافعی

رضایت کشورها جهت رسیدگی به اختلافاتی که به دیوان انجام می شود، الزامی است. به عبارت دیگر دیوان قبل از رسیدگی به ماهیت اختلافات باید رضایت کشورهای طرف دعوا را احراز کرده باشد. در غیر این صورت اختیار رسیدگی به دعوا را نخواهد داشت.

صلاحیت دیوان در رسیدگی به اختلافات بین دولت ها، بستگی به رضایت دولت‌های طرف دعوا دارد؛ زیرا اعمال حق دادرسی و قضاوت در امور بین‌المللی جز بر مبنای میل و اراده دولت‌ها میسر نیست و توافق دولت‌ها شرط اصلی و قبلی اجرای روش قضاوت در حل و فصل اختلافات آنهاست. بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان در خصوص صلاحیت دیوان چنین مقرر می‌دارد: «صلاحیت دیوان شامل کلیه اختلافاتی است که اصحاب دعوا به آن رجوع می‌کنند و همچنین شامل کلیه مواردی است که در منشور ملل متحد و یا در قراردادهای و توافق‌نامه‌های جاری پیش‌بینی شده است.» طبق بند یک ماده ۳۴ اساسنامه، فقط دولت‌ها صلاحیت مراجعه به دیوان را دارا می‌باشند. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که چه دولت‌هایی می‌توانند طرف دعوا در دیوان قرار گیرند؟ برای پاسخ به این سوال، دولت‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

دسته اول، دولت‌های عضو سازمان ملل متحد هستند؛ به موجب بند یک ماده ۹۳ منشور سازمان ملل، کلیه اعضای ملل متحد به خودی خود جزو قبول‌کنندگان اساسنامه دیوان می‌باشند و بند یک ماده ۳۵ اساسنامه دیوان نیز مقرر می‌دارد دولت‌های امضاکننده این اساسنامه حق رجوع به دیوان را دارند.

دسته دوم، دولت‌های غیر عضو سازمان ملل که اساسنامه دیوان را پذیرفتند؛ به موجب بند ۲ ماده ۹۳ منشور ملل متحد، هر دولتی که عضو ملل متحد نیست می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد بر حسب توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود، اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را قبول کند. شرایط دولت غیرعضوی که خواهان امضای اساسنامه دیوان باشد عبارتند از: پذیرش مقررات اساسنامه دیوان، پذیرش تعهدات مندرج در ماده ۹۴ منشور، تعهد برای پرداخت حق عضویت در دیوان؛

دسته سوم، دولت‌های غیر عضو سازمان ملل که اساسنامه دیوان را نپذیرفته‌اند؛ این گونه دولت‌ها در صورتی حق مراجعه به دیوان را دارند که شرایطی را که شورای امنیت تعیین کرده است، قبول کرده باشند این شرایط که در قطعنامه شماره ۹ شورای امنیت مورخ ۱۹۴۶ اعلام شده است به شرح زیر است:

- دولت غیر عضو سازمان و غیر قبول‌کننده اساسنامه باید قبلاً در اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان، تعهد به اجرای صادقانه رای یا آراء دیوان را در نظر دفتر دیوان تودیع نموده باشد؛
- اعلامیه مذکور می‌تواند خاص یا عام باشد؛ در اعلامیه خاص دولت صادرکننده اعلامیه صرفاً صلاحیت دیوان را در یک یا چند اختلاف می‌پذیرد؛ در حالی که در اعلامیه عام، صلاحیت دیوان به طور کلی و در مورد کلیه اختلافات پذیرفته می‌شود.

نکته:

دیوان بین‌المللی دادگستری تنها مرجع رسیدگی به اختلافات حقوقی است و برای رسیدگی به اختلافات سیاسی و کیفری صالح نیست؛ به موجب بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان موضوعات زیر در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارند:

- ❖ تفسیر یک معاهده؛
- ❖ هر موضوعی که مربوط به حقوق بین‌الملل باشد؛
- ❖ واقعیت هر عملی که در صورت اثبات، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود؛
- ❖ نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی معین شود .

در این صورت سوالی که مطرح می‌شود این است که چنانچه اختلافی هم جنبه حقوقی و هم جنبه سیاسی داشت، آیا دیوان صلاحیت رسیدگی به اختلاف مربوط را خواهد داشت یا خیر؟ در این خصوص دیوان تعریف گسترده‌ای از اختلافات حقوقی ارائه می‌دهد. به این معنا که چنانچه دعوی در دیوان مطرح شود که هم جنبه حقوقی داشته باشد و هم جنبه سیاسی، تنها ابعاد حقوقی آن قابل رسیدگی خواهد بود. این مسئله در قضیه شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا مطرح شد. دولت ایالات متحده در مورد رد صلاحیت دیوان چنین استدلال کرده بود: «مواردی که نیکاراگوئه در دادخواست خود مطرح کرده است همه از نوع مسائل سیاسی هستند و باید در شورای امنیت سازمان ملل و یا در چارچوب سازمان کشورهای آمریکایی مطرح شود و دیوان لاهه مرجع صلاحیت دار جهت رسیدگی به این اختلافات نیست» دیوان در پاسخ به استدلال‌های آمریکا چنین اظهار می‌کند که: در این مورد دیوان خود را جزئی از سیستم ملل متحد دانسته و معتقد است که رسیدگی در شورای امنیت می‌تواند همزمان با رسیدگی در دیوان انجام شود. شورای امنیت دارای وظایفی با ماهیت سیاسی است؛ در حالی که وظایف دیوان دارای ماهیت حقوقی است. بنابراین هر دو ارگان که وظایفشان مکمل یکدیگر است می‌توانند جدا گانه موضوع را بررسی کنند. دیوان تنها در صورت رضایت کامل کلیه اصحاب دعوا می‌تواند به اختلافات حقوقی رسیدگی کند و به صرف مراجعه یکی از اصحاب دعوا به دیوان و تسلیم شکایت، نمی‌توان طرف دیگر را به پای میز محاکمه کشاند، مگر آنکه طرف دعوا قبلاً رضایت خود مبنی بر صلاحیت دیوان در رسیدگی به اختلافات را اعلام کرده باشد و یا آن که پس از بروز اختلاف، صلاحیت دیوان را جهت رسیدگی به آن اختلاف بپذیرد. اعلام رضایت دولت‌ها به صلاحیت دیوان ممکن است به دو شکل صورت گیرد: (۱) انعقاد موافقتنامه‌های خاص مبنی بر قبول صلاحیت دیوان. این گونه موافقت نامه‌ها پس از بروز اختلاف توسط

دولت‌ها معتقد می‌شوند. در این گونه موافقتنامه‌ها صلاحیت دیوان مبنی بر رسیدگی به اختلاف مورد پذیرش قرار می‌گیرد. قبول صلاحیت دیوان به این طریق را اصطلاحاً **پذیرش اختیاری صلاحیت دیوان** می‌نامند. دولت‌ها در صورت امضای توافقنامه‌های خاص مراتب را به اطلاع دبیرخانه دیوان می‌رسانند. (۲) پذیرش صلاحیت اجباری دیوان. در این حالت دولت‌ها صلاحیت دیوان را پیش از بروز اختلاف قبول می‌کنند؛ این گونه تعهد قبلی دولت‌ها مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان جهت رسیدگی به اختلافات که در آینده بروز می‌کند را **پذیرش صلاحیت اجباری دیوان** می‌نامند. پذیرش صلاحیت اجباری دیوان یا از طریق عهدنامه‌ها و موافقت نامه‌های بین‌المللی است و یا از طریق صدور اعلامیه‌های یکجانبه. اعلامیه‌های پذیرش صلاحیت اجباری دیوان می‌تواند بدون قید و شرط و مشروط صادر شود؛

➤ صلاحیت مشورتی

علاوه بر صلاحیت قضایی یا ترافیکی، دیوان می‌تواند طبق ماده ۶ اساسنامه، در هر مسئله قضایی به تقاضای هر سازمان یا موسسه‌ای که در منشور ملل متحد پیش‌بینی شده رای مشورتی صادر کند؛ سازمان‌های بین‌المللی فقط می‌توانند تقاضای نظر مشورتی از دیوان کنند و دیوان مزبور به هیچ وجه دارای صلاحیت ترافیکی نسبت به اختلافات مربوط به سازمان‌های بین‌المللی نیست. صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری عبارت است از **اظهار نظر حقوقی و قضایی دیوان درباره مسائل حقوقی که سازمان‌های بین‌المللی به دیوان ارجاع می‌کنند.** طبق ماده ۶۵ اساسنامه، دیوان می‌تواند به تقاضای ارکان ملل متحد یا سازمان‌های تخصصی در هر مسئله حقوقی که از طرف موسسات مزبور به دیوان ارجاع شود، نظر مشورتی بدهد. ارکان یا سازمان‌هایی که صلاحیت تقاضای نظر مشورتی دارند، در منشور ملل متحد تعیین شدند. به این معنی که از آنها به اسم در منشور یاد شده و بعضی دیگر نیز می‌توانند با اجازه مجمع عمومی این صلاحیت را به دست آورند. مجمع عمومی و شورای امنیت نیز حق درخواست نظر مشورتی از دیوان را دارند و طبق مقررات منشور، مجمع عمومی به شورای اقتصادی اجتماعی و شورای قیمومت نیز اجازه استفاده از این حق را داده است. همچنین بعضی از سازمان‌های تخصصی به موجب موافقت نامه‌هایی که با سازمان منعقد کرده‌اند، این حق را کسب کردند. منشور ملل متحد کلیه مسائل حقوقی را قابل اظهار نظر مشورتی دیوان دانسته است که از آن جمله می‌توان به تشکیلات و وظایف و طرز کار سازمان، اختلاف سازمان‌ها با یکدیگر، اختلافات سازمان‌ها با دولت‌های غیر عضو سازمان، تفسیر سند تاسیس سازمان‌ها و غیره اشاره کرد. صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری با یک مسئله مهم روبرو است و آن اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری خود را در زمینه پاسخ به

سوالات حقوقی که بر اختلاف موجود بین دو دولت تاثیر می‌گذارد صالح ندانسته است. از نظر حقوقی، نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری الزام آور نیستند؛ مگر در مواردی که به موجب موافقت نامه های بین المللی نظرات مشورتی دیوان به طور کلی یا در مورد مسائل معینی الزام آور شناخته شده باشد در اینصورت باید طبق موافقت نامه‌های مذکور عمل شود.

نکته:

افراد صرفاً می‌توانند با توسل به اصل حمایت سیاسی یعنی از طریق دولت های متبوع خود در دیوان اقامه دعوا کنند. در این صورت افراد ذینفع حق دارند مشاوران را که شایستگی لازم را داشته باشند تعیین و دعوا را در کنار مشاوران و ماموران دولتی دنبال نمایند.

ایران و دیوان بین المللی دادگستری

از ابتدای تاسیس دیوان بین المللی دادگستری، ایران ۶ دعوا نزد دیوان مذکور داشته است که تاکنون بیشترین تعداد دعوای مطرح شده از سوی یکی از کشورهای قاره آسیا نزد دیوان مذکور محسوب می‌گردد. ایران تاکنون نزد دیوان بین المللی دادگستری دارای قاضی اصلی نبوده است، ولی در چندین مورد اقدام به معرفی قاضی اختصاصی نموده است؛ به عنوان مثال در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس دکتر کریم سنجابی، در قضیه حادثه هوایی دکتر محسن آقا حسینی و در قضیه سکوه‌های نفتی، قاضی بلژیکی فرانسوا ریگو جزو قضات اختصاصی ایران بودند. ایران مجموعاً ۶ بار، ۲ بار به عنوان خوانده و ۴ بار به عنوان خواهان نزد دیوان بین المللی دادگستری حضور یافته است:

۱. ملی شدن صنعت نفت: شکایت انگلیس از ایران

دکتر محمد مصدق برای کوتاه کردن دست بیگانگان از دخالت در امور کشور طرح ملی شدن صنعت نفت کشور را پیش کشید و هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی، به اتفاق آرا این طرح را تصویب کرد. اندکی پس از ملی شدن صنعت نفت، انگلیس با استناد به معاهده‌ی ۱۳۱۲ شمسی که بین تهران و لندن منعقد شده بود و همچنین به بهانه‌ی «نقض قوانین بین‌المللی» در «دیوان بین المللی دادگستری» از ایران شکایت کرد. در پی این شکایت، دولت مصدق اعلام کرد از آنجا که این معاهده بین دو کشور بوده و یک قرارداد بین‌المللی نیست، لغو آن نقض قوانین بین‌المللی محسوب نمی‌شود و به همین دلیل طرح شکایت انگلیس از ایران در دیوان بین المللی لاهه نابجاست.

دولت انگلیس با وقاحت تمام شروع به تهدید نظامی و وارد آوردن فشار اقتصادی به ایران کرد. اما دیوان لاهه از طرفین خواست تا صدور رأی نهایی دادگاه از هرگونه اقدامی که به حقوق طرف مقابل لطمه می زند، بپرهیزند.

دولت انگلیس شکایت خود را در شورای امنیت سازمان ملل نیز طرح کرد؛ اما دکتر مصدق این نکته را یادآور شد که قرارداد یک «شرکت» انگلیسی، حقوقی برای «دولت» انگلیس ایجاد نمی کند و ایران خواهان روابط حسنه با دولت انگلیس است. با این دفاع منطقی، شورای امنیت تصمیم گرفت که تا صدور رأی دیوان لاهه، به این مسئله نپردازد.

خرداد سال ۱۳۳۱ مصدق برای شرکت در دادگاه لاهه و دفاع از حقوق ملت به هلند سفر کرد. در اولین جلسه دادگاه، وکیل ایران تمرکز بحث خود را روی عدم صلاحیت دادگاه گذاشت. دادگاه لاهه بعد از ۱۲ جلسه رسیدگی به پرونده، در ۳۱ تیر ۱۳۳۱ رأی بر عدم صلاحیت این دیوان برای رسیدگی به دادخواست انگلستان داد و به این ترتیب دعوی انگلیس باطل شد.

۲. گروگان گیری در سفارت آمریکا: شکایت آمریکا از ایران

دومین باری که ایران در دادگاه لاهه حاضر شد، باز هم در مقام «متشاکی» قرار داشت. خرداد ۱۳۵۹، چند ماه بعد از تسخیر سفارت آمریکا در آبان سال ۵۸، آمریکایی ها با اتکا به قرارداد دوستی سال ۱۹۵۵ بین دو کشور، بابت این اقدام به دیوان بین المللی دادگستری شکایت بردند.

یکی از مبانی شکایت آمریکا در دیوان لاهه «پیمان مودت» سال ۱۳۳۴ بود. اما پیش از این شکایت، آمریکا تلاش کرد از طریق قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل و وارد آوردن فشار سیاسی گروگان های آمریکایی را آزاد کند. اما ایران بی توجه به این قطعنامه شروط چهارگانه ای را برای آزادی گروگان ها مطرح کرد. در مقابل آمریکا اعلام کرد که استقلال ایران (یکی از شروط) را به رسمیت می شناسد. با وجود این، ایران اصرار داشت که شروط دیگر (بازگرداندن دارایی های شاه، آزاد کردن دارایی های ایران بلوکه شده و لغو ادعاهای آمریکا علیه ایران) انجام شود.

آمریکا نیز از انجام این شروط امتناع می کند و به جای آن تلاش می کند فشار بیشتری به ایران وارد کند. در همین راستا اعمال تحریم های اقتصادی گسترده علیه ایران در شورای امنیت مطرح می شود. قطعنامه رأی می آورد اما شوروی آن را وتو می کند. آمریکا اعلام می کند که بطور یکجانبه این تحریم ها را اعمال خواهد کرد.

از طرف دیگر در نهایت سوم خرداد ۱۳۵۹، دادگاه لاهه به نفع آمریکا رأی داد. طبق رأی دیوان، **ایران برخلاف قوانین بین المللی عمل کرده و محکوم شناخته شد.** دادگاه ایران را ملزم کرد گروگان ها را آزاد کند و ساختمان سفارت آمریکا نیز به این کشور برگردانده شود و مقامات دیپلماتیک نیز طبق قوانین بین المللی حفاظت شوند. **با وجود این، ایران به رأی دیوان اعتنایی نکرد.**

۳. پرواز شماره‌ی ۶۵۵ ایران ایر: شکایت ایران از آمریکا

۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۸، حدود ۱۰ ماه بعد از حمله‌ی ناو «یو. اس. اس. وینسنس» به هواپیمای مسافربری ایران ایر و کشته‌شدن ۲۹۰ انسان بی‌گناه، ایران بابت این اقدام جنایت کارانه به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد.

در نهایت در سوم اسفند سال ۱۳۷۴، دیوان بین‌المللی دادگستری با اعلام اینکه دو طرف به توافق رسیده‌اند که آمریکا خسارات این حادثه را جبران کند، پرونده را بست؛ توافقی که در آن ایالات متحده این «حادثه‌ی هوایی» را به عنوان «فاجعه‌ی انسانی وحشتناک» توصیف کرد و «بابت از دست رفتن جان انسان‌ها تأسف عمیق خود» را ابراز کرد.

آمریکا همچنین پذیرفت که در مجموع یک میلیون و ۸۰۰ هزار دلار غرامت، به خانواده‌های قربانیان بپردازد. دولت ایالات متحده همچنین پذیرفت که مبلغ ۱۳۱ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار خسارت به دولت ایران بپردازد تا ایران پرونده را در دیوان بین‌المللی دادگستری پیگیری نکند. با این حال هرگز مسئولیت قانونی این جنایت را به عهده نگرفت.

۴. حمله به سکوهای نفتی: شکایت ایران از آمریکا

ایران و آمریکا بار دیگر در ۱۱ آبان ۱۳۷۱ در دیوان بین‌المللی دادگستری روبروی هم قرار گرفتند. ایران بابت حمله‌ی آمریکایی‌ها به سکوهای نفتی شرکت ملی نفت ایران در دوران دفاع مقدس، به دیوان لاهه دادخواست رسیدگی داد. این بار نیز یکی از مبانی شکایت ایران از آمریکایی‌ها علاوه بر قوانین بین‌المللی، پیمان مودت سال ۱۳۳۴ بین دو کشور بود. آمریکا به صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به این پرونده اعتراض کرد اما دیوان این اعتراض را رد کرد.

در نهایت پس از ۱۱ سال در ۱۴ آبان ۱۳۸۲، این دیوان رأی بر این داد که ۱- حملات آمریکایی‌ها به تأسیسات نفتی ایران با «پیمان مودت» مغایرت داشته و مشمول استثنائات امنیتی پیمان نبوده است اما آنها آزادی تجارت ایران را نقض نکرده‌اند؛ لذا این ادعای ایران علیه آمریکا مورد تأیید نیست. ۲- ادعای متقابل آمریکا درباره‌ی مین‌گذاری ایران و حمله به کشتی‌های آمریکایی نیز قابل تأیید نیست. با این حساب ادعا هر دو طرف در دیوان رد و پرونده بسته شد.

۵. ضبط دارایی‌های ایران: شکایت ایران از آمریکا

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۹۵ در پی توقیف و ضبط و مصادره حدود ۲ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی و اموال سایر شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی به موجب احکام واهی صادره از دادگاه‌های آمریکا که با موازین حقوق بین‌الملل به ویژه معاهده بین دو کشور موسوم به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و

کنسولی سال ۱۹۵۵ مغایر است، از اقدامات دولت آمریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه شکایت کرد. در دادخواست ارائه شده به دیوان، ایران تعهدات ایالات متحده به موجب معاهده ۱۹۵۵ را تشریح کرده و نشان داده است که اقدامات مذکور نقض و تخلف آشکار از معاهده مذکور و موازین حقوق بین‌الملل است. پس از ثبت دادخواست، ایران لایحه تکمیلی و مستندات خود را در چهار جلد و در تبیین مبانی حقوقی و موضوعی شکایت مطروحه، در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۹۵ به دیوان بین‌المللی دادگستری تقدیم کرد. در مقابل اما ایالات متحده به جای پاسخگویی به شکایت ایران در ماهیت دعوی، در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ با طرح ایراد مقدماتی، دعوی ایران را غیرقابل استماع تلقی کرده و نسبت به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اعتراض نمود. آمریکا از جمله مدعی شده بود که به علت فقدان رابطه تجاری و سیاسی مستمر بین دو کشور، عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و کنسولی قابلیت اجرایی ندارد. بعلاوه، آمریکا برای مقابله با تروریسم اجازه داده دعوی علیه ایران در دادگاه‌های آمریکا رسیدگی شود و خلاصه اقدامات مورد شکایت ایران، در راستای حفاظت از منافع امنیتی اساسی ایالات متحده صورت گرفته و از قلمرو عهدنامه مذکور خارج است. در این راستا لایحه جوابیه ایران در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۹۶ نزد دیوان ثبت شد. در این پاسخ، ضمن رد ادعاها و اتهامات بی‌اساس ایالات متحده به ایران، بر اعتبار عهدنامه ۱۹۵۵ که قبلاً بارها مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری نیز قرار گرفته و در سایر پرونده‌ها توسط دولت و اتباع ایالات متحده به آن استناد شده بود، تأکید شد. دیوان بین‌المللی دادگستری روزهای ۱۶ الی ۲۰ مهر ۱۳۹۷ را به برگزاری جلسات استماع مدافعات شفاهی طرفین درباره ایرادات مقدماتی و صلاحیتی آمریکا اختصاص داد، در این جلسات که در کاخ صلح لاهه برگزار شد، نمایندگان طرفین و وکلای ایشان دفاعیات خود را به قضات دیوان ارائه نمودند و دیوان پس از گذشت حدود ۴ ماه شور و بررسی مواضع و ادله طرفین، در نهایت در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ در جلسه‌ای با حضور نمایندگان دو طرف در دیوان و بعضی از وکلا و مقامات دولتی، تصمیم خود در خصوص اعتراض ایالات متحده به صلاحیت دیوان برای رسیدگی به پرونده را اعلام نمود. به موجب این رأی، ایرادات مقدماتی و صلاحیتی آمریکا رد شد و دعوی ایران مسموع دانسته شد و پرونده وارد مرحله رسیدگی ماهوی شد. در این رأی دیوان با اکثریت آراء اعلام کرد که ایراد آمریکا درباره قابل استماع نبودن ادعای ایران و عدم صلاحیت دیوان، وارد نیست و مبنای حقوقی معتبری ندارد. به عقیده دیوان عهدنامه مودت و روابط کنسولی و اقتصادی که در سال ۱۳۳۴ منعقد و امضا شده، در تاریخ طرح دعوی معتبر و لازم‌الاجرا بوده و رسیدگی به اقدامات آمریکا درباره ضبط و مصادره اموال و وجوه نقد بانک مرکزی و سایر بانک‌ها یا دستگاه‌های دولتی ایران که طبق دادخواست موجب تضییع حقوق ایران تحت آن عهدنامه شده، در صلاحیت دیوان است.

الف) خواسته های ایران :

ایران در دادخواست خود، از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا کرده است که اعلام نماید:

✓ دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به پرونده برخی اموال ایران صلاحیت دارد

- ✓ آمریکا مقررات عهدنامه مودت را در قبال اتباع و شرکت‌های ایرانی نقض کرده است
- ✓ آمریکا مکلف است که برای توقف فعل متخلفانه به ایران تضمین ارائه کند
- ✓ ایران و شرکت‌های دولتی ایرانی از حق بر مصونیت قضایی برخوردارند
- ✓ آمریکا باید شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های دولتی ایرانی را به رسمیت شناسد
- ✓ آمریکا باید به ایران غرامت پرداخت کند
- ✓ دیوان می‌تواند به هر وسیله جبران خسارتی که مناسب تشخیص دهد آمریکا را به جبران خسارات وارده ملزم نماید.

۶. پس از خروج آمریکا از برجام: شکایت ایران از آمریکا

در ۲۴ تیرماه سال ۱۳۹۷ ایران برای بار چهارم در تاریخ انقلاب، از آمریکا به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت برد. این بار نیز حقوقدانان ایرانی به پیمان مودت بین دو کشور متوسل شدند؛ پیمانی که در آن قید شده دو کشور در صورت بروز اختلاف می‌توانند برای رفع آن به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کنند.

ایران در این دعوا اعلام کرد که ایالات متحده با برگرداندن تحریم‌ها، پیمان مودت بین دو کشور را نقض کرده است. جمهوری اسلامی خواستار لغو تحریم‌ها و همچنین دریافت خسارت شد. گرچه رسیدگی به دعاوی در این دیوان معمولاً چندسالی طول می‌کشد اما طبق اساسنامه این دیوان می‌تواند در صورتی که طرفین در معرض صدمات فوری باشند، برای طرفین تکالیف لازم‌الاجرای موقتی صادر کند. گرچه حقوقدانان و وکلای آمریکایی تلاش کردند ابتدا به ساکن دیوان لاهه را فاقد صلاحیت رسیدگی به این پرونده معرفی کنند؛ اما قضات دیوان با اتفاق آرا این ادعا را رد کردند و در نهایت دیوان ۱۱ مهر ۱۳۹۷ «رأی موقت» اما لازم‌الاجرا و الزام‌آور خود را به نفع ایران صادر کرد. طبق رأی دیوان، دولت ایالات متحده ملزم شد موانعی را که «در مسیر روابط تجاری ایران در حوزه‌های مشخصی برقرار کرده» برطرف کند. همچنین آمریکا باید تضمین کند که مجوزهای لازم برای موارد مشخص شده در رأی دیوان را صادر کرده و در عمل نیز پرداخت‌ها و معاملات مربوط به آن موارد را انجام دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری با صدور قرار موقت حکم داد که ایالات متحده باید اطمینان حاصل کند که تحریم‌های یک‌جانبه‌اش علیه جمهوری اسلامی بر کالاهای اساسی یا ایمنی پروازهای مسافری اثر منفی نخواهد داشت. دیوان بین‌المللی دادگستری به اتفاق رأی داد که واشنگتن باید «به هر طریقی که خود صلاح می‌داند هرگونه مانع در برابر صادرات آزاد دارو و تجهیزات پزشکی و کالاهای خوراکی و کشاورزی و قطعات هواپیما به ایران را مرتفع سازد.

۴) شورای اقتصادی و اجتماعی

شورای اقتصادی اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل دارای ۵۴ عضو است که اعضای آن توسط مجمع عمومی انتخاب می شوند. همه ساله ۱۸ عضو شورا برای مدت سه سال انتخاب می شوند و اعضای که خارج می شوند مجدداً قابل انتخاب هستند. هر عضو شورا یک نماینده در آن شورا خواهد داشت. شورای اقتصادی اجتماعی رکن اصلی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به شمار می آید؛ این شورا در راستای پذیرش وظایف مندرج در فصل نهم و دهم منشور تحت نظارت مجمع عمومی عمل میکند؛ شورای مزبور نمی‌تواند تصمیمات الزام‌آور برای دولت‌ها را اتخاذ کند؛ بلکه صرفاً دارای حق ارائه توصیه نامه به دولت‌های عضو مجمع عمومی و سازمان‌های تخصصی است. به موجب بند ۲ ماده ۶۲ منشور، شورای اقتصادی اجتماعی می‌تواند به منظور تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، توصیه‌هایی بنماید. بر اساس این ماده، ۳ نکته قابل ذکر است:

اول اینکه شورا می‌تواند در موضوعات متعدد و وسیعی از جمله حقوق بشر و آزادی‌های اساسی موضع‌گیری کند؛

دوم اینکه شورا صرفاً می‌تواند اقدام به صدور توصیه‌نامه کند؛ به عبارت دیگر، حق هیچ‌گونه تصمیم‌گیری الزام‌آور برای دولت‌ها را ندارد و بدین لحاظ عملاً در قطعنامه‌های خود از عباراتی چون "دعوت به عمل می‌آورد" و "تجلیل به عمل می‌آورد" و غیره استفاده می‌کند؛

سوم اینکه این توصیه‌نامه‌ها می‌تواند خطاب به همه باشد که خود گویای این امر است که هیچ محدودیتی در زمینه اطراف مخاطب ندارد.

از وظایف شورای اقتصادی اجتماعی ایجاد هماهنگی میان سازمان‌های تخصصی ملل متحد است؛ ایجاد ارتباط بین شورای مزبور و سازمان‌های تخصصی از طریق انعقاد موافقتنامه صورت می‌گیرد. به موجب ماده ۶۳ منشور، شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با هر یک از موسسات تخصصی مذکور در ماده ۵۷ قراردادهایی منعقد کند و شرایطی را که به موجب آن، موسسه مربوطه وابسته به سازمان ملل خواهد شد باید به تصویب مجمع عمومی برسد در حال حاضر سازمان ملل متحد از طریق شورای اقتصادی اجتماعی با ۱۶ سازمان تخصصی قرارداد همکاری منعقد کرده است. این سازمان‌ها عبارتند از اتحادیه بین‌المللی مخابرات، اتحادیه جهانی پست، سازمان بین‌المللی کار، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول، بانک بین‌المللی ترمیم و

توسعه، اتحادیه مالی بین‌المللی، سازمان آموزشی علمی فرهنگی ملل متحد، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری، سازمان هواشناسی جهانی، سازمان بین‌المللی دریانوردی، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد...

۵) دبیرخانه

طبق ماده ۷ منشور، دبیرخانه یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد به شمار می‌آید. به موجب ماده ۹۷ منشور دبیرخانه از یک دبیر کل و آن تعداد پرسنل که سازمان لازم بداند تشکیل می‌گردد. دبیرکل عالی‌ترین مقام سازمان ملل است و ریاست دبیرخانه بر عهده دارد. برای تعیین دبیرکل، در ابتدا شورای امنیت در یک جلسه خصوصی کاندیداها را به عنوان نامزد دبیرکلی به مجمع معرفی می‌کند، سپس مجمع عمومی در مذاکرات خصوصی موضوع را بررسی و سپس در جلسه عمومی از طریق رای مخفی نظر قطعی خود را اعلام می‌کند. مدت تصدی مقام در منشور تعیین نشده است ولی در سال ۱۹۴۶ مجمع این مدت را ۵ سال تعیین کرده که البته قابل تمدید است. وظایف دبیرکل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: وظایف اداری و وظایف اجرایی

وظایف اداری دبیرکل

دبیرکل عالی‌ترین مقام اداری سازمان ملل به شمار می‌رود و عمده‌ترین وظایف اداری وی عبارتند از: تضمین برگزاری صحیح گردهمایی‌هایی که تحت حمایت سازمان ملل برگزار می‌شود، پیشنهاد در مورد روش کار و آیین کار کنفرانس‌ها، مشاوره حقوقی و فنی در تهیه پیش‌نویس اسناد، مسئولیت تنظیم برنامه بودجه سالانه سازمان، امین معاهدات بین‌المللی بودن، تسلیم گزارش کار سالانه سازمان به مجمع عمومی و...

وظایف اجرایی دبیرکل

وظایف اجرایی دبیرکل دارای ماهیت سیاسی است و به اعتبار این وظایف دبیرکل می‌تواند نقش بسیار مهمی را در سیاست بین‌المللی ایفا کند؛ عمده‌ترین وظایف اجرایی دبیرکل به شرح زیر است: جلب توجه شورای امنیت به مسائل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، ابتکار عمل در پر کردن خلاء موجود در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مساعی جمیله و میانجیگری بین دولت‌ها، انجام اقدامات به نیابت از سوی ارکان ملل متحد، نمایندگی از جانب سازمان ملل برای انعقاد موافقتنامه‌ها، تعقیب دعاوی حقوقی سازمان در مراجع قضایی و ..

دبیرکل و کارمندان ملل متحد در انجام وظایف خود از یک دولت یا مقام خارج از سازمان کسب دستور ننموده و هیچ‌گونه فرمانی نمی‌پذیرند. هر عضو ملل متحد متعهد است که جنبه منحصراً بین‌المللی مسئولیت‌های

دبیرکل و کارمندان سازمان را محترم شمارد و در صدد بر نیاید که آنان را در اجرای وظایف شان تحت فشار قرار دهند.

۶) شورای قیمومت

این شورا یکی از شش رکن اصلی سازمان ملل متحد است که بر اداره سرزمین های تحت قیمومت نظارت دارد. پیش از نظام قیمومت، نظام سرپرستی زیر نظر جامعه ملل نسبت به برخی از کشورهای اعمال می شد. نظام سرپرستی تاسیسی بود که به موجب آن سرزمین های تحت سلطه آلمان و امپراتوری عثمانی یعنی کشورهای مغلوب در جنگ جهانی اول، تحت سرپرستی دولت های فاتح قرار گرفتند. طبق منشور ملل متحد، نظام قیمومت نظارتی است که سازمان ملل متحد نسبت به دو دسته سرزمین اعمال خواهد کرد: یکی سرزمین های غیر استراتژیک و دو سرزمین های استراتژیک. نظارت بر سرزمین های غیر استراتژیک تابع تصمیمات مجمع عمومی است؛ در حالی که نظارت بر سرزمین های استراتژیک، تابع قیمومت شورای امنیت خواهد بود. پس از استقلال سرزمین پالائو در نوامبر ۱۹۹۴ که آخرین سرزمین تحت قیمومت سازمان ملل متحد محسوب می شود این شورا عملاً فعالیت خاصی را عهده دار نبوده و صرفاً در صورت نیاز و بنا به درخواست رئیس شورا و یا اکثریت اعضای مجمع عمومی و شورای امنیت تشکیل جلسه خواهد داد.

سازمان همکاری اقتصادی (اگو)

سازمان همکاری اقتصادی اگو در واقع سازمانی است که جانشین سازمان همکاری عمران منطقه ای (آر سی دی) شده است. سازمان آر سی دی در پی کنفرانس نخست وزیران سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه که در ۱۹۶۴ در استانبول برگزار شد، تشکیل گردید. در این کنفرانس سران سه کشور تاکید کردند که همکاری منطقه عامل اساسی در تسریع رشد و توسعه ملی و تأمین صلح و ثبات و آرامش در منطقه است؛ در اعلامیه پایانی کنفرانس عمده ترین اهداف سازمان، همکاری های منطقه ای و بهبود خطوط حمل و نقل هوایی در داخل منطقه، فعالیت مشترک در زمینه بهبود وضع کشتیرانی، توسعه جهانگردی منطقه و غیره ذکر شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فعالیت های آر سی دی به علت عدم همکاری با آن سازمان به حالت رکود در آمد به طوری که در دی ماه ۱۳۵۹ تصمیم به انحلال آن گرفته شد؛ علیرغم انحلال سازمان آر سی دی، حس همکاری سه جانبه بین کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه از بین نرفت، بلکه به دلایل مختلف سیاسی و

اقتصادی این همکاری‌ها افزایش یافت. از دلایل مهم حفظ این همکاری سه جانبه برای ایران می‌توان به وقوع جنگ تحمیلی و همکاری گسترده اعراب با عراق، انزوای نسبی سیاسی و اقتصادی ایران و همچنین وجود اصل همکاری و ارتباط با کشورهای همسایه و مسلمان و جهان سوم به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. پاکستان نیز به دلیل اختلافات خود با هند و وجود ناآرامی‌های داخلی به دنبال کسب وجه سیاسی در منطقه بود و بالاخره ترکیه نیز به دلایل مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، خواهان گسترش روابط خود با ایران بود. لذا همکاری سه جانبه ایران، پاکستان و ترکیه در قالب جدید سازمان همکاری اقتصادی اکو از نهم بهمن ۱۳۶۳ مجدداً آغاز شد. سازمان اکو دارای ارکان شورای وزیران، شورای قائم‌مقامان، شورای برنامه‌ریزان، کمیته‌های فنی (شامل کمیته‌های اقتصادی بازرگانی، کمیته صنعتی، فنی، حمل و نقل، ارتباطات، کشاورزی، علمی آموزشی فرهنگی، انرژی و زیربنایی در امور عمومی) و دبیرخانه است. کشورهای عضو اکو همسایه ایران محسوب می‌شوند و ایران با پنج عضو اکو مرز مشترک زمینی و با قزاقستان مرز دریایی نیز دارد. لذا این کشور حاشیه استراتژیک برای ایران به حساب می‌آید. پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ به ابتکار ایران ترتیب مذاکرات این سازمان در ۱۹۹۹ در تهران با حضور نمایندگان و سران ۱۰ کشور عضو آغاز شد که فعالیت رسمی آن از سال ۱۹۹۴ شروع شد. دبیرخانه اکو در تهران قرار دارد که این موضوع از یک طرف نشانگر اهمیت این سازمان برای ایران است و از طرف دیگر تا حدود زیادی جایگاه و نفوذ ایران را در این سازمان نشان می‌دهند

جنبش عدم تعهد

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم کشورهای فاتح جنگ به ویژه ایالات متحده آمریکا و شوروی، دچار اختلاف و رقابت شدند، به طوری که این رقابت‌ها باعث شد که کشورهای جهان در یک جناح بندی کلی در بلوک شرق یا غرب قرار گیرند. در مقابل این جناح بندی و روابط خصمانه ناشی از آن، برخی از کشورها خواهان بی‌طرفی خود بودند. ایده عدم تعهد نیز در این شرایط ظهور کرد و پس از چندی باعث تشکیل جنبش عدم تعهد شد.

رهبران چند کشور که خارج از دو بلوک شرق و غرب بودند سعی کردند که با گرد هم آوردن کشورهای جهان سوم همبستگی خود را در مقابل دو بلوک شرق و غرب به نمایش بگذارند. رهبران مؤسس این جنبش، **جواهر لعل نهرو از هند، مارشال تیتو از یوگسلاوی، احمد سوکارنو از اندونزی و جمال عبدالناصر از مصر بودند.** خصوصیات مشترک این چهار رهبر سیاسی در این بود که همه آنان مبارزات ضد استعماری داشتند و برای دستیابی به استقلال کشور خود مبارزات سخت و طولانی انجام داده بودند. اولین گردهمایی اعضای جنبش

عدم تعهد در کنفرانس باندونگ اندونزی در ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ صورت پذیرفته است. در این کنفرانس نمایندگان ۲۹ کشور در حال توسعه که غالباً از کشورهای آسیایی و آفریقایی بودند برای نخستین بار دور هم جمع شدند و به همین جهت آن را کنفرانس آسیایی و آفریقایی نیز نامیده اند. در این کنفرانس نطفه جنبش عدم تعهد منعقد شد و دو جبهه متفاوت حاضر در کنفرانس نیز (که یکی خواهان مبارزه با استعمار بودند یعنی هند اندونزی و دیگری خواهان مبارزه با کمونیسم بودند یعنی پاکستان و سیلان) نظرات خود را به یکدیگر نزدیک کرد و در یک گروه فراگیر علیه استعمار و استثمار چه شرقی و چه غربی متحد شدند. اصول این جنبش به پیشنهاد جواهر لعل نهرو که بعدها به اصول پنجگانه یا پنجشیرا شهرت یافته در اعلامیه نهایی کنفرانس گنجانده شد. این اصول عبارت بودند از:

- ❖ احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها
- ❖ عدم تجاوز
- ❖ عدم دخالت دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر
- ❖ مساوات کشورها
- ❖ همزیستی مسالمت آمیز

جنبش عدم تعهد دارای ارکان و نهادهای زیر است:

۱. **کنفرانس سران** که عالی‌ترین رکن سازمان به شمار می‌آید و هر سه سال یکبار در یکی از شهرهای یکی از کشورهای عضو تشکیل می‌شود.
۲. **ریاست گروه:** ریاست گروه در جنبش عدم تعهد مشابه دبیرکل در سایر سازمان‌های بین‌المللی است. نحوه انتخاب رئیس گروه یا دبیرکل جنبش بدین ترتیب است که در هر کشوری که کنفرانس سران برگزار می‌شود، وزیر امور خارجه آن کشور به عنوان رئیس گروه غیرمتعهدها برای مدت ۳ یا ۴ سال یعنی تا تشکیل کنفرانس بعدی به این مقام انتخاب می‌شود؛ با تغییر وزیر خارجه نیز ریاست به وزیر جانشین انتقال می‌یابد.
۳. **کنفرانس وزیران**
۴. **دفتر هماهنگی کشورهای غیرمتعهد**
۵. **گروه‌های هماهنگی بین دولت‌ها**
۶. **جلسات سالیانه وزیران خارجه در نیویورک**

عمده ترین ضعف های جنبش عدم تعهد را می توان به قرار زیر بیان کرد

- اعضای جنبش از دولت های ناهماهنگ تشکیل می شوند و شرط اساسی جنبش که همان عدم وابستگی به یکی از ابرقدرت ها است، رعایت نمی شود. در واقع تعداد قابل توجهی از دولت های عضو به یکی از قطب های سیاسی جهان وابسته اند.
 - تصمیمات جنبش اصولاً بر اساس **اتفاق آرا** صورت می گیرد و این روش باعث می شود که با کوچکترین اختلاف نظر بین دولت های عضو هیچ گونه تصمیمی اتخاذ نشود.
 - از نقاط ضعف اساسی جنبش عدم تعهد، نداشتن دبیرخانه، منشور و ساز و کار سازمانی است تا بتوانند مصوبات را پیگیری کنند. با وجود هماهنگی غیرمتعهدها در سازمان ملل متحد این جنبش به علت نداشتن دبیرخانه ثابت هنوز نتوانسته زمینه اجرای مصوبات را فراهم آورد.
 - از نظر حقوقی تصمیمات جنبش فاقد ضمانت اجرایی لازم است و تنها پشتوانه آن افکار عمومی جهان است.
 - از نظر سیاسی، نفوذ و قدرت های بزرگ مانند آمریکا، انگلستان، چین، روسیه موجب تفرقه بین اعضای جنبش شده است.
 - دسته بندی های سیاسی در داخل جنبش مانند جناح کشورهای عربی و کشورهای آفریقای سیاه و غیره باعث اختلاف نظر شدیدی بین اعضاء و عدم تصمیم گیری مناسب شده است.
- جنبش عدم تعهد در حال حاضر دارای ۱۲۰ عضو از سراسر جهان است که تقریباً دو سوم از کشورهای عضو سازمان ملل را شامل می شود. ایران پس از پیروزی انقلاب در جریان برگزاری ششمین نشست سران جنبش عدم تعهد در هاوانا پایتخت کوبا در سال ۱۹۷۹ به عضویت جنبش عدم تعهد درآمد. با پیوستن ایران به این جنبش، به نظر می رسد که اندیشه حمایت از تبدیل جنبش به ساز و کاری تاثیرگذار در معادلات جهانی تقویت شده است خصوصاً اینکه جمهوری اسلامی ایران به همراه کوبا، مالزی و آفریقای جنوبی در ردیف چهار کشور پیشرو در جنبش قرار دارد که همواره بر ضرورت عملی شدن خواسته های جنبش تاکید ورزیده است. به نظر می رسد جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه های اصلی و اولیه انقلاب اسلامی، یعنی دکترین نه غربی و نه شرقی که بسیار به اندیشه عدم تعهد نزدیک است، ترجیح می دهد جنبش عدم تعهد با حفظ استقلال عملی و پویایی موضع گیری به بازنگری در متن معادلات جهانی مبادرت ورزد.

سازمان کنفرانس اسلامی

در پی شکست اعراب در جنگ شش روزه در ۱۹۶۷ از رژیم اشغالگر فلسطین، رژیم های محافظه کار عرب در موضعی تدافعی ناچار شدند تا برای خاموش ساختن آتش احساسات توده های مسلمان کشورهای خود اقدامی ظاهری و نمایشی انجام دهند. لذا کشورهای مزبور در صدد ایجاد سازمان کنفرانس اسلامی بر آمدند. تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی به ابتکار ملک فیصل پادشاه عربستان صورت گرفت. سران کشورهای اسلامی پس از آتش سوزی مسجد الاقصا در ۱۹۶۹ در گردهمایی خود در رباط مراکش در سپتامبر ۱۹۶۹ به سازمان مزبور موجودیت بخشیدند. سازمان کنفرانس اسلامی تا سال ۲۰۰۸ در برگیرنده ۵۷ کشور اسلامی باشد. عضویت دو کشور افغانستان و مصر به دلیل اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی سابق و امضای معاهده کمپ دیوید با اسرائیل از سوی رژیم مصر از جانب کنفرانس به حالت تعلیق درآمده بود اما در اجلاس چهارم سران کشورهای اسلامی در کازابلانکا، مجدداً از مصر برای عضویت در کنفرانس دعوت به عمل آمد و همچنین در اجلاس هجدهم در ریاض ۱۹۸۹ تصمیم گرفته شد که کرسی افغانستان به مجاهدین افغانستان واگذار شود. طبق اساسنامه سازمان، اهداف این سازمان عبارتند از :

ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورها، تحکیم همکاری میان کشورهای عضو در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و علمی، تلاش در جهت محو تبلیغات و جدایی های نژادی و از بین بردن استعمار در هر شکل آن، انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از صلح بین المللی و امنیت متکی بر عدالت، هماهنگ ساختن همه کوشش هایی که به منظور حفاظت اماکن مقدس صورت می گیرد و پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین در کسب حقوق و آزاد ساختن سرزمینشان، ایجاد محیط مساعد به منظور افزایش همکاری و تفاهم بین کشورهای عضو و سایر کشورهای جهان

سازمان کنفرانس اسلامی دارای ۴ رکن **کنفرانس سران کشورهای اسلامی، کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی، دبیرخانه و دیوان بین المللی عدالت اسلامی** است. کنفرانس سران عالی ترین رکن سازمان به شمار آمده و اجلاس های خود را هر چند سال یکبار در یکی از شهرهای یکی از دولت های برگزار می کند. در اجلاس سوم سران در طائف تصمیم گرفته شد که کنفرانس سران هر ۳ سال یکبار برگزار شود و این تصمیم به طور منظم اجرا نشده است. انتخاب دبیرکل بر اساس رای اکثریت دولت های عضو انجام می گیرد. در ابتدا دوره تصدی دبیرکل دو سال و قابل تمدید نیز بود؛ ولی بعداً این مدت به چهار سال قابل تمدید افزایش یافت. دبیرکل به عنوان بالاترین مقام دبیرخانه و سازمان های جانبی در مورد کارهای آنان در برابر کنفرانس

مسئول است و در مورد انجام وظایف خود به کنفرانس گزارش می دهد. وظایف دبیرکل عبارت است از هماهنگی کنفرانس‌ها و جلسات سازمان، پیگیری و هماهنگی کار بخش های مختلف، پیگیری فعالیت‌های سازمان های غیردولتی و تمامی کارهای دفتر دبیر کل. مقر دبیرخانه بر اساس اساسنامه سازمان، شهر بیت‌المقدس خواهد بود اما تا زمان رفع اشغال از این شهر، جده به طور موقت مقر دبیرخانه می باشد .

دادگاه بین المللی عدالت اسلامی پیش از اجلاس پنجم سران کنفرانس اسلامی در کویت در ۱۹۸۷ وجود نداشت. در آن اجلاس با اصلاح ماده ۳ منشور کنفرانس، دادگاه مزبور به عنوان رکن چهارم کنفرانس اسلامی تعیین شد. این دادگاه از ۷ قاضی تشکیل می شود که از سوی وزرای خارجه کنفرانس اسلامی برای مدت ۴ سال انتخاب می شوند. لازم به یادآوری است که ماده ۳ اساسنامه دادگاه هنوز به تصویب دو سوم دولت های عضو سازمان کنفرانس اسلامی نرسیده است و تاکنون فقط ۷ دولت یعنی عربستان، لیبی، اردن، قطر، مصر و بحرین اسناد مربوط به تصویب را به دبیرخانه ارسال کرده اند. این دادگاه پس از تشکیل آن در کویت خواهد بود و زبان های رسمی دادگاه عبارتند از عربی، انگلیسی و فرانسه. ایران در کنار مراکش و عربستان از بنیانگذاران سازمان کنفرانس اسلامی بود و هنگامی که مقامات بلندپایه ۲۵ کشور اسلامی در اولین اجلاس سران سازمان در ۱۹۶۹ گردآمدند محمدرضا پهلوی در زمره رهبرانی بود که در کنار ملک حسن پادشاه مراکش به سخنرانی پرداخت و این گردهمایی را حادثه بزرگ تاریخی برای جهان اسلام خواند. در سال ۱۳۸۶ نیز، کنفرانس روسای قوه قضاییه کشور های اسلامی در تهران برگزار شد.

چیزهای خوب سراغ کسانی می آیند که صبر می کنند، اما چیزهای بهتر سراغ کسی می آیند که تلاش می کنند

باید زیاد مطالعه کنید تا بدانید که هیچ نمی دانید. شارل دو مونتسکیو

پیروز باشید